

A Study of Socio-Political Transformation in Iranian Villages after the Islamic Revolution

Mohammad Bagher Khoramshad * 

Professor, Political Sciences,
Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Amir Molodi 

Ph.D Student, Political Sciences,
Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Abstract


The socio-political structures of villages in Iran have transformed. The scope and depth of these Transformations are such that the current socio-political environment of the villages is different from the past. This issue makes it necessary to conduct new research about the rural society of Iran. Considering that most of these transformations occurred after the Islamic revolution, we raise our question as follows: This research seeks to answer the question, what transformations did the village in Iran go through after the revolution? This study deals with the why and how of these transformations and their consequences by benefiting from the approach of historical sociology and the use of library data and observation. The result of the research shows changes such as transformation in social structure, transformation in stratification in villages, transformation in rural lifestyle, increase in the level of literacy and its consequences, transformation in communication and mediatization of villages, transformation in land ownership in villages, moving towards a semi-commercial economy, change in social hierarchies, change from passive participation to independent and demanding political participation, increasing role of kinship loyalties in local political participation, predominance of religious and linguistic affiliations in the voting behavior of villagers, spread of citizenship system to villages.


Keywords: Transformation, Village, Master, Vassal, Citizen.

* Corresponding Author: mb.khoramshad@gmail.com

How to Cite: Khoramshad, M. B., Molodi, A. (2022), "A Study of Socio-Political Transformation in Iranian Villages after the Islamic Revolution", *Quarterly of Political Strategic Studies*, 11(42), 9-42. doi: 10.22054/QPSS.2022.30031.2994.

بررسی تحولات اجتماعی - سیاسی روستاهای ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران

محمدباقر خرمشاد  استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امیر مولودی*  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

ساختارهای سیاسی اجتماعی روستاها در ایران دچار دگرگونی شده است. دامنه و عمق این تحولات به اندازه‌ای است که فضای سیاسی اجتماعی کنونی روستاها را متفاوت از گذشته کرده است. بنابراین انجام پژوهش‌های جدید درباره جامعه روستایی ایران ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه عمده این تحولات بعد از انقلاب اسلامی رخ داده است، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که روستا در ایران بعد از انقلاب چه تحولات و دگرگونی‌های را از سر گذرانده است؟ این پژوهش با بهره‌مندی از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهده به چرایی و چگونگی این دگرگونی‌ها و پیامدهای آنها می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان از تغییراتی مانند تحول در صورت‌بندی اجتماعی، تغییر قشربندی در روستاها، تغییر در سبک زندگی روستایی، افزایش سطح سواد و تبعات آن، تحول ارتباطی و رسانه‌ای شدن روستاها، تغییر در مالکیت زمین در روستا، حرکت به سمت اقتصاد نیمه‌تجاری، تغییر در سلسله‌مراتب اجتماعی، تغییر از مشارکت منفعل به مشارکت سیاسی مستقل و مطالبه‌گر، افزایش نقش وفاداری‌های خویشاوندی در مشارکت سیاسی محلی، غلبه تعلقات مذهبی و زبانی در رفتار رأی‌دهی روستاییان و اشاعه نظام شهروندی به روستاها دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مالکیت زمین، مشارکت سیاسی.

مقدمه

سرزمین ایران از دیرباز محل زندگی سه گونه زیست اجتماعی (شهری، روستایی، عشایری) بوده است. هرچند بین این سه نوع الگوی زیستی، ویژگی‌های مشترک جامعه‌شناختی وجود دارد اما هر کدام از آنها دارای خصوصیات منحصر به فرد خود در جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشند. پژوهشگران از جنبه‌های متنوعی هر یک از این الگوهای زیستی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در میان سه الگوی زیستی، روستاها علی‌رغم کاهش در تعداد و جمعیت نسبت به گذشته، هنوز درصد قابل‌اعتنایی از جمعیت کشور را در خود جای داده است. بر طبق آخرین آمار از حدود کل جمعیت، ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفری؛ ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار و ۶۲۵ نفر یعنی تقریباً ۲۶ درصد مردم ایران در روستاها ساکن هستند. بر اساس همین نتایج این جمعیت در ۶۲۲۸۴ آبادی توزیع شده‌اند (amar.org.ir).

تا قبل از آغاز مدرنیته در ایران هر سه این الگوهای زیستی فاقد تحرک اجتماعی^۱ شتابان بودند. البته هرچند برخی جابجایی‌های اجتماعی^۲ در آنها صورت می‌گرفت اما این جابجایی‌ها هیچ‌گاه موجب دگرگونی و تحول در ساخت اجتماعی آنها نمی‌شد؛ بعد از مدرنیته ساخت اجتماعی کم‌تحرک جامعه ایران دستخوش دگرگونی و تحولات عمیقی شد که همچنان تداوم دارد. در این میان ساخت اجتماعی روستاهای ایران از این تغییرات مصون نماند و سیل تحولات به درون روستاهای ایران سرازیر شد. این تحولات بعد از انقلاب اسلامی سیر شتابانی به خود گرفت. به گونه‌ای که از دیدگاه نگارندگان، فضای سیاسی - اجتماعی روستاهای ایران بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با سال‌های قبل از آن بصورت قابل توجهی دگرگون شده است. از دیدگاه نویسندگان، این روند تغییرات همچنان در حال شدن است.

به اعتقاد نگارندگان، بررسی سیر این تحولات برای فهم وضعیت سیاسی - اجتماعی روستاها ضروری به نظر می‌رسد. بویژه اینکه به نظر، ادبیات موجود و پرمصرف مرتبط با جامعه‌شناسی سیاسی روستایی جوابگوی موقعیت فعلی روستانشینان نیست. با توجه مقدمه

1. Social Mobility
2. Social Alteration

بالا این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که روستا در ایران بعد از انقلاب چه تحولات و دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده است؟

مفروض مقاله این است که در دهه‌های اخیر، تغییرات عمده‌ای در ساختار و مناسبات اجتماعی روستاها صورت گرفته که ادبیات و پیشینه‌های موجود در این زمینه را به چالش می‌کشد. روستاها در حال حاضر در یک وضعیت اجتماعی - سیاسی متفاوتی از گذشته قرار گرفته‌اند. این تحولات فارغ از مثبت یا منفی بودن آن نیازمن مذاقه و موشکافی محققانه علمی هست.

بنابراین می‌توان فرضیه اصلی پژوهش را می‌توان این‌گونه طرح کرد آنچه در روستاهای ایران اتفاق افتاده است تغییر در ساختارهای اجتماعی است که منشأ تحول در روستاهای ایران شده است. تغییرات در ساخت اجتماعی (تحولات جمعیت شناختی، تغییر در قشربندی اجتماعی)، ساخت اقتصادی (حرکت از کشاورزی معیشتی و اربابی به کشاورزی نیمه تجاری) و فرهنگی (شکاف‌های نسلی، افزایش سطح سواد و نفوذ رسانه در روستا) موجب تحول در رفتار سیاسی روستاییان شده است.

روش پژوهش

روش‌های متنوعی برای بررسی پدیده‌های اجتماعی توسط پژوهشگران بکار برده می‌شود. این پژوهش با بهره‌مندی از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهده، به چرایی و چگونگی این دگرگونی‌ها و پیامدهای آن‌ها می‌پردازد. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران اجتماعی و سیاسی، جامعه‌شناسی تاریخی رهیافتی مناسب برای مطالعه و درک ساختارهای کلان اجتماعی و روندهای بنیادین دگرگونی در این ساختارها است (دلآوری، ۱۳۹۴: ۵۸). در کاربرد رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی چند مسئله مهم را باید مورد توجه قرار داد.

واحد تحلیل

در این پژوهش واحد تحلیل، ساختارهای اجتماعی در روستا است. اصولاً ساختار به دلیل برخورداری از جنبه‌های عینی، جایگزین قانون در علوم تجربی می‌شود (دلآوری، ۱۳۹۴: ۶۱). البته ساختارگرایی مورد نظر، یک ساختارگرایی افراطی نیست. از دیدگاه نگارندگان، نوعی قوام متقابل بین ساختار و کارگزار وجود دارد. همین مسئله ساختارهای

مورد بررسی را تا حدودی تعدیل می‌کند. لذا در ساختارگرایی معتدل و منعطف، امکان توضیح و تبیین امور با ارجاع هم‌زمان به کنشگران و ساختارها وجود دارد (دلاوری، ۱۳۹۴: ۶۳).

دامنه تحولات

مسئله مهم دیگر در مطالعات تحولات، بحث دامنه بررسی آن‌ها است. بطور کلی دامنه تحولات اجتماعی در سه دسته قرار می‌گیرد. فرنان براودل^۱ با تأکید بر دامنه زمانی تحولات اجتماعی، آن‌ها را به سه نوع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت تقسیم می‌کند. در سطح میان‌مدت، دگرگونی از نظر براودل شامل بررسی و تحلیل موقعیت‌ها یا همان نوسانات و دگرگونی‌های ادواری در ساختارهای اجتماعی است که در یک دوره زمانی میان‌مدت اتفاق می‌افتند و به‌نوبه خود بیانگر دگرگونی‌های مهمی در ساختارها می‌باشند (دلاوری، ۱۳۹۴: ۵۴). سطح مورد نظر در اینجا بررسی تحولات میان‌مدت است. دامنه زمانی پژوهش کمی بیش از نیم‌قرن اخیر را شامل می‌شود.

شیوه مطالعه

مطالعات تحولات اجتماعی به سه شیوه انجام می‌شود. روش هم‌زمانی^۲، روش ناهم‌زمانی مقایسه‌ای^۳ و روش درزمانی^۴. روش درزمانی به معنای تحلیل فرایند دگرگونی در طول زمان است. در این روش، تحلیل‌گر تحولات بدون اینکه پیش‌فرض خاصی اعم از تکامل‌گرایان و یا مرحله‌ای و یا دوگانه‌انگاری در مورد تحولات اجتماعی داشته باشند، فرایند تحول در ساختارها و روابط اجتماعی و سیاسی را مورد مطالعه تجربی قرار می‌دهد. او می‌کوشد روند تحولات را پیگیری کند و در عین حال تأثیر و تأثرات پیچیده‌ای را که در این روند میان عوامل و کنش‌های مختلف روی داده و به تحولات ساختارها و روابط اجتماعی و سیاسی انجامیده است، شناسایی کند (دلاوری، ۱۳۹۴: ۶۵). به‌واقع یک روش درزمانی و استفاده از داده‌های مطالعات و مشاهده با یک تحلیل انتقادی از نوشتارهای موجود درباره ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی روستا فرضیه خود را مورد بررسی قرار دهد.

1. F. Braudel
2. Synchronic
3. Comparative Statics
4. Diachronic

پیشینه پژوهش

عمده مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی روستا تحت هژمونی چند مطالعه کلاسیک از وضعیت روستاییان در بازه زمانی مشروطیت تا آستانه انقلاب اسلامی است. قبل از پرداختن به موضوع بحث لازم هست مروری اجمالی و انتقادی نسبت به پژوهش‌های پرکاربرد مرتبط با رفتار سیاسی در روستا ارائه شود.

یکی از پژوهش‌های مهم میدانی در ارتباط با رفتار سیاسی روستاییان کتاب «زمین و انقلاب» اثر هوگلاند است. پژوهش‌های این کتاب که در اواخر حکومت پهلوی و اوایل انقلاب اسلامی انجام شده بود؛ بر نقش زمین بعنوان مهم‌ترین فاکتور مؤثر بر رفتار روستاییان تأکید دارد. از نظر هوگلاند اصلاحات ارضی صورت گرفته، تغییر چندانی در وضعیت روستاییان بوجود نیاورد و در نهایت حکومت پهلوی جایگزین اربابان شد. از دید او با اصلاحات ارضی قدرت سیاسی که عملاً بصورت خودسرانه در اختیار و انحصار مالکان بود، به دست حکومت مرکزی افتاد (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۲۴۵). همچنین هوگلاند گرایش‌های سیاسی روستاییان را در سه طیف حامیان حکومت پهلوی، مخالفان حکومت پهلوی و بی‌اعتنا به شرایط سیاسی تقسیم کرده بود (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۲۵۱-۲۴۶). تفاوت هوگلاند با دیگر پژوهشگران این است که از نظر او روستاییان تا حدودی دارای کنش سیاسی بودند که بیشتر تحت تأثیر رفت آمد جوانان به شهر در استان فارس بود.

آبراهامیان و کاظمی (۱۳۹۶) در مقاله «دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر» با طرح سؤالاتی از قبیل اینکه چرا در ایران معاصر که سال‌های دهه ۱۳۳۹ تا اصلاحات ارضی را در برمی‌گیرد، شاهد شورش بزرگ دهقانی نبودیم؟ چرا رادیکال‌ها در دامن زدن به آتش انقلاب‌های روستایی شکست خوردند؟ چرا دهقانان بجای اینکه ستیزه‌جو، متکی به نفس و انقلابی باشند، قدری مسلک، منفعل و محافظه‌کارند؟ این پرسش‌ها بر منفعل بودن روستاییان از نظر عمل سیاسی تأکید دارند. این دو، شورش‌های بزرگ انقلابی را معلول وجود سه عامل یعنی وجود طبقه دهقانان متوسط ناراضی، اقتصاد مبتنی بر بازار متزلزل و دولت مرکزی ضعیف می‌دانند. آن‌ها در ادامه تحلیل می‌کنند که نبود طبقه متوسط در روستا، نبودن اقتصاد مبتنی بر بازار را دلایل غیرانقلابی بودن دهقانان می‌دانستند (آبراهامیان و کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۵۶).

اشرف و بنوعزیز (۱۹۹۳) در کتاب «انقلاب و طبقات اجتماعی» وضعیت جامعه‌شناسی سیاسی روستاها را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها رفتار سیاسی روستاییان را متأثر از مالکیت زمین می‌دانند بعبارتی زمین را بعنوان زیربنا عمل در روستاهای ایران در نظر گرفته‌اند. بر همین اساس آن‌ها روستاییان را بر اساس مقدار زمین به طبقات مختلف تقسیم می‌کردند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

بشیریه (۱۳۹۰) معتقد است که زمین بر لایه‌بندی اجتماعی ساکنین روستاها و رفتار سیاسی آن‌ها تأثیرگذار است. از نظر او طبقات فاقد زمین، دارای عمل سیاسی معناداری در روستاها نبودند. نقش دهقانان در زندگی سیاسی در قالب جنبش‌های دهقانی بیشتر در دوره‌های انقلاب و تحول اجتماعی و پیدایش جنبش‌های توده‌ای محسوس بوده است تا در دوره‌های ثبات سیاسی. بنابراین او در مجموع روستاییان را فاقد هرگونه استقلال عمل سیاسی می‌داند. در آستانه تحولات مهم از جمله انقلاب آن‌ها بیشتر از سوی گروه‌ها و نیروهای سیاسی گوناگون بسیج می‌شوند.

جعفری (۱۳۹۳)، در رساله‌ای با عنوان «بررسی نسبت روستا و سیاست» عمل سیاسی روستاییان از مشروطیت تاکنون را مورد بررسی قرار داده است... به اعتقاد جعفری در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران، کنش سیاسی دهقانان و روستاییان با توجه به نظام اجتماعی حاکم بر روستا، موقعیت جغرافیایی، جمعیت روستا و همچنین نوع رابطه دولت و نیروهای سیاسی شهری با این اجتماعات متفاوت بوده است. جعفری روستاییان را در رویدادهای سیاسی بزرگ مانند انقلاب‌های ملی فاقد عمل مؤثر می‌داند و بیشتر آن‌ها (روستاییان) را در اعتراضات پراکنده و محلی فعال می‌داند. همچنین آن‌ها در انتخابات دارای مشارکت فعال هستند. در نهایت جعفری روستاییان را بیشتر حافظ وضع موجود می‌داند هرچند با یک فرایند آرام و بازی با قواعد نظم مستقر، آن‌ها را بر سیاست ملی و محلی منطقه‌ای مؤثر می‌داند.

خرمشاد و موسی نژاد (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای روش AHP» تبعات اجزای سیاست‌های ارضی بعد از انقلاب در روستاها را شامل ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، تقویت و تشویق همکاری جمعی بین روستاییان با بکارگیری نظم بهره‌برداری مشاع، تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی روستاها، تغییر نظام طبقاتی

روستایی در ایران، تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی، گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها می‌دانند.

چارچوب نظری تحقیق: تغییرات اجتماعی

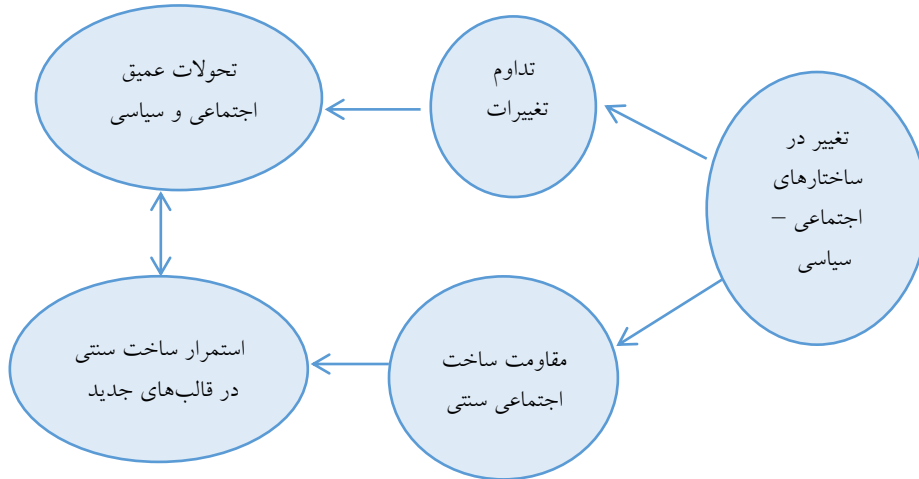
تحول در تعریف لغوی، به معنای دگرگونی در حالت و ویژگی‌های یک چیز است. در ادبیات علمی جدید، این واژه بر دگرگونی‌های اساسی و ماهوی در یک پدیده اجتماعی که معمولاً در درازمدت اتفاق می‌افتد دلالت دارد. مثلاً هنگامی که از تحول یک جامعه سخن می‌گوییم منظورمان این است که آن جامعه در یک دوره کم‌ویش طولانی و از لحاظ ساختارها، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به زندگی جمعی دچار آنچنان دگرگونی‌هایی شده است که گویا ما با جامعه جدیدی مواجهیم. در مقابل، واژه تغییر معمولاً بر دگرگونی‌های جزئی و کوتاه‌مدت در یک چیز دلالت دارد. در مورد خود مفهوم تحول اجتماعی^۱ همچون دیگر مفاهیم علوم اجتماعی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. جامعه‌شناسان متأخر بیشتر از مفهوم تغییر اجتماعی استفاده می‌کنند و نه فقط تعریف‌های بیشمار بلکه طبقه‌بندی‌های متعددی از این تعریف‌ها ارائه کرده است (دلاوری، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۶). گوی روشه تحول اجتماعی را مجموعه‌ای از تغییرات می‌دانند که در طول یک دوره طولانی طی یک یا چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد. بین تغییرات اجتماعی و تحولات اجتماعی تفاوت وجود دارد. تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمان کوتاه بصورتی که شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی در زندگی‌اش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید.... علاوه بر این، تغییر اجتماعی در محدوده جغرافیایی و اجتماعی معین صورت می‌پذیرد و در این مورد تفاوتش با تحول اجتماعی در این است که آن را می‌توان در چارچوب یک محدوده جغرافیایی و یا در کادر اجتماعی - فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد (روشه، ۱۳۶۶: ۲۱-۲۰).

مطالعه تغییرات اجتماعی از دغدغه‌های مهم جامعه‌شناسی از ابتدای پیدایش بوده است. کنت، دورکهایم، مارکس، وبر و بسیاری از جامعه‌شناسان هرکدام به نوعی به

مبحث تغییرات اجتماعی در آثار خود توجه کرده‌اند. کنت تطور در مبانی فکری و ذهنی، مارکس تغییر را با توجه مناسبات تولید در جامعه و وبر تغییرات در ماهیت اقتدار را مورد اشاره قرار داده‌اند (غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۹۳). اما چه عواملی باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اجتماعی می‌شود؟ چندین عامل توسط پژوهشگران سیاسی - اجتماعی برای ایجاد و تحریک تغییرات اجتماعی مطرح شده است. تعامل پیچیده محیط، فناوری، فرهنگ، شخصیت، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، ایدئولوژی، تغییر جمعیت و غیره از عوامل مهم تغییر اجتماعی هستند. معمولاً تغییرات اجتماعی محصول یک عامل نیستند. هیچ ادعایی مبنی بر اینکه تغییرات اجتماعی با توجه یک عامل مانند منافع اقتصادی، ایده‌ها، شخصیت افراد خاص، شرایط جغرافیایی و غیره تعیین می‌شود، قابل قبول نیست. هر عامل واحدی همیشه با چندین عامل دیگر وابسته است. لذا تغییر اجتماعی در هر جامعه محصول چند عامل مختلف از موارد بالا است. همه موارد بالا با توجه شرایط هر جامعه‌ای محصول چند عامل از عوامل بالا از دلایل تغییر اجتماعی در جامعه هستند (Akujobi & Jackson, 2017: 25).

در بحث تغییرات اجتماعی مباحثی چون تغییر در ساختارها، تحول در کارکردها، موضوع مورد تغییر، عوامل مهم تغییر و نتایج تغییر مورد بررسی قرار می‌گیرد. تغییرات در جامعه معمولاً با مقاومت روبرو می‌شود. بویژه ساخت‌های سنتی ممکن است در برابر نوآوری‌ها مقاومت کنند. بعبارتی جامعه با یک استمرار اجتماعی مواجه می‌شود. هر چند ممکن است ساخت‌های سنتی نتوانند مانند گذشته به حیات خود ادامه دهند و ولی در قالب‌های جدید خود را بازتولید کنند. با توجه به موارد گفته شده می‌توان مدل چارچوب نظری زیر را مانند شکل زیر طراحی کرد.

مدل شماره ۱- مدل چارچوبی نظری



تغییرات اجتماعی - سیاسی روستا در ایران بعد از انقلاب

الف- تحول در صورت‌بندی‌های اجتماعی: تغییر ترکیب دهستان - رعیت به روستا - کشاورز

دگرگونی در ساختار اجتماعی و اقتصادی در روستاهای بعد از انقلاب یک تحول اساسی و عمیق در لایه‌های اجتماعی بود. به تبع این تغییرات ساختاری، کنش اجتماعی و سیاسی روستاییان نیز متحول شده است. جامعه روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی از یک ساختار اجتماعی سلسله‌مراتبی متصلب رنج می‌برد. وجود دو قشر اصلی ارباب (مالکان حاضر و غایب در روستاها) و رعیت (دهقان بدون زمین) بعنوان مهم‌ترین لایه‌های اجتماعی روستاها در ایران بودند و مناسبات سیاسی متأثر از آن بود. قبل از انقلاب بواسطه اصلاحات ارضی تا حدی این مناسبات دستخوش تحول شد اما این تحول آنقدر نبود که زیست سیاسی روستاها را دستخوش تحول عمیق کند. نهایت اینکه نوعی جابجایی اجتماعی بین نیروها در روستاها شکل گرفت. حضور حکومت پهلوی در روستاها بعد از اصلاحات ارضی نه تنها کمکی به توسعه سیاسی در روستا نکرد بلکه کارگزاران دولتی در روستاها (ژاندارمری، کدخدا، سپاه دانش) همان ساختار سیاسی را در قالب جدید بازتعریف کرد (هوگلاند، ۱۳۹۶: ۲۴۵).

بعد از انقلاب اسلامی آخرین میخ بر تابوت نظام ارباب - رعیتی زده شد. حذف طبقه ارباب - رعیتی، فضای اجتماعی روستاها را متحول کرد. این حذف صورت‌بندی یک تحول مفهومی را در روستا به همراه آورد. تحولی که صرفاً یک تغییر لفظی نبود تا جایی که منزلت اجتماعی روستاییان را نیز در معنای واقعی کلمه تغییر داده است. امروزه روستاییان را کشاورزان صاحب حق می‌دانند که دارای منزلت اجتماعی به مراتب بالاتر از وضعیت اجتماعی خود نسبت به گذشته هستند. به این ترتیب یک صورت‌بندی کهن (ارباب - رعیت) جای خود را به صورت‌بندی جدیدی (روستا و کشاورز) داد.

ب- تغییر در بافت جمعیتی و قشربندی در روستاها

در نیم قرن اخیر دو رویداد مهم باعث تغییر در ترکیب و بافت جمعیتی روستاها شد. **اول** اصلاحات ارضی و عملکرد هیئت‌های هفت نفره است که تغییر بنیادینی در صورت‌بندی بهره‌برداری از زمین ایجاد کرد. به این صورت که باز توزیع زمین‌های کشاورزی موجب زمین‌دار شدن دهقانان خرده‌مالک و برخی از خوش‌نشین‌ها شد. کافی است بدانیم که بر اساس تحقیقی که در سال ۱۳۵۴ انجام شد جمعیت خوش‌نشین حدود ۴۰ درصد از جمعیت روستاهای ایران را تشکیل می‌داده است (از کیا، ۱۳۹۳: ۹۴)؛ بنابراین این اقدام باعث تغییر پایگاه اجتماعی آن‌ها شد. دهقانانی که تا قبل از این صرفاً بعنوان کارگر روزمزد در زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند، اینک می‌توانستند خود مالک زمینی باشند که بر روی آن کار می‌کنند (خرمشاد و موسی نژاد، ۱۳۹۷: ۷). **دوم** مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها بود. این میزان مهاجرت و ترکیب جمعیتی مهاجران که شامل کشاورزان فقیر و بدون زمین بود، سبب شد که اکنون عمده ساکنین روستاها از قشرهای نسبتاً مرفه‌تر باشند که با داشتن حداقلی از زمین در کنار کشاورزی نیمه مکانیزه و دامداری، می‌توانند در ردیف لایه میانه حال از نظر اقتصادی جای گیرند. در جدول زیر میزان مهاجرت از روستا به شهر در سال‌های قبل و بعد از انقلاب نشان داده شده است.

جدول میزان مهاجرت از روستا به شهر در سال‌های قبل و بعد از انقلاب

۸۵-۹۰	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	
۱۳ درصد	۲۰ درصد	۲۲ درصد	۳۲ درصد	مهاجرت از روستا به شهر

تحولات صورت گرفته در ارتباط با زمین و مهاجرت نوعی سلسله‌مراتب طبقاتی را در سه لایه اجتماعی مرفه، نیمه‌مرفه و فقیر را شکل داده است. البته ملاک این تقسیم‌بندی علاوه بر مالکیت زمین شامل مالکیت ابزار تولید کشاورزی (کمباین، تراکتور و...) کارهای جانبی دیگر همچون دامداری، باغداری، صنایع دستی و حتی اشتغال روستاییان در مشاغل دولتی است. این نوع سلسله‌مراتب مرتبط اجتماعی همانند سلسله‌مراتب در نقاط شهری است که کاملاً با نظام سلسله‌مراتب روستاها در گذشته متفاوت است.

پ- تغییر در سبک زندگی روستایی

یکی دیگر از مقوله‌های تحول در روستاها تحول در سبک زندگی روستاییان است. سبک زندگی الگوی متمایز رفتارهای شخصی و اجتماعی مشخصه یک فرد یا یک گروه است (Veal, 2006: 247). این تغییر در سبک زندگی طیف خاصی از شیوه‌ها و هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید و ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی بطور کل در سبک زندگی بوجود آمده است (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴۳). اشاعه شتابان مظاهر مدرنیته در کنار تغییرات در شیوه تولید و استفاده از ابزارهای نوین که ضمن افزایش درآمد زمینه را برای تغییر سبک زندگی در روستاها فراهم کرده است. در یک کار پیمایشی که توسط ازکیا و حسینی (۱۳۸۸) در روستاهای شمال انجام شده است؛ از وجود تفاوت سبک زندگی در بین نسل‌های روستایی در داشتن اوقات فراغت، شیوه گفتار، الگوهای تغذیه، شیوه بهداشتی و پوشاک خبر می‌دهد. نکته جالب توجه در این پژوهش تأکید بر آزاد بودن فرزندان روستایی توسط والدین در تعیین سبک زندگی هست. بنابراین شکاف نسلی وجود نداشته و بیشتر یک تفاوت نسلی را مطرح می‌کنند (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۵۵). عبارتی به نظر، عمده تغییرات صورت گرفته در سبک زندگی هم‌زمان با تحول نسلی در روستاها شکل گرفته است. تغییر نسل و استقرار نسل جدید بعد از انقلاب منشأ این تحولات بوده است.

ت- افزایش سطح سواد و تبعات فرهنگی و اجتماعی روستائیان

افزایش سطح سواد روستاییان یکی از شاخص‌های بررسی تغییرات اجتماعی در روستاها است. افزایش نرخ سواد و همچنین فرصت تحصیل برای جوانان در دوره‌های عالی در

شهرهای بزرگ را می‌توان بعنوان عاملی مهم در تغییر وضع رفتار سیاسی اجتماعی روستاییان قلمداد کرد. میزان افزایش سواد روستاییان از ۶ درصد سال ۱۳۳۵ به حدود ۸۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. البته چرایی و چگونگی افزایش مدنظر این نوشتار نیست بلکه مسئله تأثیرات این تحول در ساختار و رفتار سیاسی اجتماعی روستاییان است.

جدول درصد سطح سواد روستاییان

۱۳۹۵	۱۳۵۵	۱۳۳۵	
۷۹/۵۲	۳۰/۵	۶/۱	مرد و زن

منبع - مرکز آمار ایران

از شواهد پیداست که افزایش سطح سواد عمومی و دانشگاهی در میان روستاییان بر رفتار سیاسی اجتماعی آنها مؤثر بوده است. بویژه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هنگام بازگشت به روستا حداقل بر ترجیحات سیاسی و اجتماعی خانواده تأثیر گذار هستند. حتی با یک مشاهده ساده در روستاها می‌توان شاهد این تحول در بین دانش‌آموزان روستایی و خانواده‌های آنها بوده است.

ث - تحول ارتباطی و رسانه‌ای شدن روستاها؛ ادغام در فضای سیاسی ایران یکی از عوامل مهم در تحلیل‌های جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک روستایی، پراکندگی روستا در ایران است. پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی روستایی یکی از عوامل بی‌عملی سیاسی روستاییان را پراکندگی و نبود ارتباط با نقاط شهری و مرکزی می‌دانستند. نیکی کدی با تأکید بر عامل جغرافیایی، پراکندگی روستاییان در اطراف مناطق شهری و سیستم آبیاری قنات را علت انفعال و کاهش احتمال شرکت در حرکت‌های انقلابی، تمرد و سرکشی می‌داند و به همین دلیل، مناطق پرجمعیت و پرباران شمالی ایران را از این قاعده مستثنی می‌کند (کدی، ۱۳۹۰: ۸۵).

در حال حاضر در زمینه ارتباطی تحولات فراوانی در روستاها نسبت به قبل از انقلاب شکل گرفته است. این تحولات در دو بخش قابل ارزیابی است. از یک طرف در حوزه حمل و نقل در روستاها با ساخت جاده‌ها، گسترش وسایل حمل و نقل عمومی، داشتن خودروی شخصی امکان آمدوشد روستایی نسبت به گذشته بهبود چشمگیری داشته است. این مسئله میزان آشنایی روستاییان و آگاهی آنها از وقایع سیاسی - اجتماعی

رخ داده در کشور را بیشتر کرده است. این روند از اواخر رژیم پهلوی آغاز شده بود و امروزه کماکان در حال گسترش است. هوگلاند یکی از عوامل گسترش فعالیت سیاسی در روستاها در آستانه انقلاب را افزایش ارتباط بخصوص با تأکید بر رفت آمد جوانان در شهرهای استان فارس می‌داندست (هوگلاند، ۱۳۹۶: ۲۴۵). بدون تردید این ارتباط اکنون در میان روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ بسیار بیشتر شده و مشاهدات حتی نشان از مهاجرت‌های روزانه حکایت می‌کند. همین مسئله نظریه انزوا و دور ماندن روستاییان از تحولات سیاسی اجتماعی در ایران را با چالش جدی مواجه کرده است.

مسئله ارتباط فقط به ارتباط فیزیکی بین نقاط روستایی و شهری محدود نمی‌شود. مهم‌ترین تحول در حوزه ارتباطی به دسترسی اطلاعات و ادغام در فضای سیاسی اجتماعی کشور از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی مربوط هست. دسترسی به شبکه سراسری برق امکان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون)، از همه مهم‌تر دسترسی به شبکه جهانی اطلاعات (اینترنت) را برای روستاییان فراهم کرده است. این دسترسی تا حدودی عملاً روستاییان را در فضای سیاسی حاکم بر نقاط شهری ایران ادغام کرده است. حتی این گزاره که در روستاها رسانه‌های شنیداری و دیداری غالب بوده و رسانه‌های نوشتاری از جمله روزنامه و مجلات مصرف نمی‌شود (جعفری، ۱۳۹۲)، با توجه گسترش فضای اینترنت به روستاها موضوعیت خود را از دست داده است. آمارها حاکی از دسترسی روزافزون روستاییان به شبکه گسترده‌ای از اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و غیره هست. در جدول‌های زیر میزان دسترسی روستاییان به انواع رسانه‌های جمعی آورده شده است.

میزان دسترسی به آمار سال ۱۳۹۲

جمع خانوار	دسترسی به اینترنت در محل سکونت	تلفن ثابت و همراه	تلویزیون	رادیو	تعداد خانوار
۶/۰۴۲/۹۲۹	۱/۰۵۷/۸۸۰	۵/۰۸۴/۸۸۰	۵/۸۶۵/۸۸۱	۲/۷۵۰/۲۶۲	

منبع - مرکز آمار ایران

درصد میزان دسترسی به تلفن و اینترنت

۹۴	۹۲	۸۹	۸۷	دسترسی به تلفن و اینترنت
۹۷	۹۳/۹	۹۱/۵	۸۹	تلفن ثابت
۳۶/۷	۱۷/۵	۴/۹	۶	اینترنت محل سکونت

منبع - مرکز آمار ایران

چند نکته در ارتباط با داده‌های بالا حائز اهمیت است. اول اینکه این داده‌ها تا سال ۱۳۹۴ است. بدیهی است که در ۶ سال اخیر این ارقام بسیار بیشتر است. وزیر ارتباط دولت دوازدهم از دسترسی بیش از ۹۸ درصدی روستاهای بالای ۲۰ خانوار ایران به اینترنت پرسرعت خبر می‌دهد (آذری جهرمی، خبرگزاری مهر، ۲۰ مهر ۱۳۹۹). نکته دوم اینکه در آمار بالا دسترسی به ماهواره نیامده است بدیهی است با توجه به غیرقانونی بودن استفاده از آن، آمار دقیقی وجود ندارد. سوم در حال حاضر دسترسی به تلفن همراه هم در میان خانواده‌ها گسترش چشمگیری داشته است. به تبع دسترسی به اینترنت همراه در روستاها نیز رقم بسیار بالایی را شامل می‌شود. از مجموع ۳۹۴۶۵ روستای بالای ۲۰ خانوار در کشور، تعداد ۳۵/۲۹۶ روستا به اینترنت پرسرعت متصل شده‌اند که از این تعداد، پوشش شبکه 3G و 4G ایرانسل در ۲۵/۷۰۹ روستا و پوشش شبکه 3G و 4G همراه اول در ۸/۷۸۸ روستا برقرار است (خبرگزاری عصر ایران، آخرین بازدید: ۱۶ دی ۱۳۹۹).

دسترسی به اینترنت (همراه) از این جهت مهم تلقی می‌شود که نقش اصلی را در اتصال به شبکه‌های اجتماعی در میان روستاییان - بعنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط اجتماعی زمان حاضر - بر عهده دارد. البته آمار دقیقی از دسترسی روستاییان به شبکه اجتماعی و نوع آن‌ها وجود ندارد اما می‌توان با بررسی میزان دسترسی نوجوانان به شبکه آموزشی «شاد» برای تحصیل در دوران همه‌گیری کرونا، میزان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی دیگر را برآورد کرد.

بر اساس برآوردها حدوداً از دانش‌آموزان روستایی به شبکه شاد متصل هستند (همشهری آنلاین، ۷ مهر ۱۳۹۹). عبارتی می‌توان گفت به همین میزان نیز به دیگر شبکه اجتماعی دسترسی دارند. اینترنت با محوریت شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی را در

اتصال روستاییان بخصوص نسل جوان و تحصیل کرده شبکه وسیعی از اطلاعات دارد. این دسترسی، زمینه را برای ارتباطات اجتماعی روستاییان و رای پراکندگی آنها از مراکز اصلی فراهم کرده است. امروزه روستا دیگر مانند گذشته در دنیای بی‌خبری سیر نمی‌کند. بسیاری از جوانان روستاها در شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، اینستاگرام، واتساپ و... عضو هستند. دسترسی روستاییان به فضای مجازی موجب تحول در ارتباط بین شهر و روستا شده و فرض مسلم پراکندگی روستاهای ایران در حال ابطال است. آیا هنوز می‌توان گفت که روستاییان واحدهای اجتماعی پراکنده و منزوی هستند؟

ج- تغییر در مالکیت زمین در روستا

یکی از فاکتورهایی که در اکثر مطالعات کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی روستاها در ایران نقش اساسی داشت، مسئله زمین بود. عامل زمین در این مطالعات چنان مهم بود که کلیه مناسبات سیاسی - اجتماعی در روستاها در ارتباط با آن مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. این موضوع آنقدر با اهمیت بود که شاید بتوان با برداشتی آزاد از نظریه مارکس گفت که زمین زیربنای اصلی روابط در میان جوامع روستایی در ایران بوده است. برای مثال روابط سیاسی بین روستاییان با ارباب (سهم‌بری، خوش‌نشین و...) روابط حکومت با ارباب (تیول‌داری و...) روابط میان حکومت و رعیت (زمین‌های خالصه، رعیت پادشاه و اصلاحات ارضی و...) متأثر از زمین و نحوه مالکیت آن بوده است (اشرف، ۱۳۹۳؛ هوگلاند، ۱۳۹۸). اشرف و بنوعزیز مناسبات سیاسی و اجتماعی روستاها را بر اساس نحوه مالکیت زمین تحلیل می‌کردند. بر همین اساس آن‌ها روستاییان را بر اساس مقدار زمین به طبقات مختلف تقسیم می‌کردند (اشرف و بنوعزیز، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

مقوله زمین تا اوایل دهه ۴۰ و آغاز اصلاحات ارضی نقش تعیین‌کننده در مناسبات اجتماعی و سیاسی روستاییان داشت. زمین در همه اجتماعات دهقانی و در جامعه ایران همراه با آب از جمله مقوله‌هایی اساسی تولید در جامعه خودبسنده به شمار می‌رفته است زیرا دهقانان نان خود را از روی خاک و زمین جمع می‌کردند (جعفری، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۷). با اصلاحات ارضی نیز عملاً تغییر چندانی در مناسبات سیاسی - اجتماعی روستاییان بوجود نیامد. نگاهی به آخرین آمارها درباره توزیع زمین میان گروه‌های روستایی بعد از اصلاحات ارضی سال در ۱۳۴۱ نشان می‌دهد که ۱/۶۰۰/۰۰۰ خانوار، زمینی برابر با ۲/۴۳

میلیون هکتار در اختیار داشتند. در مقابل ۹۵۰۰ خانوار بزرگ مالک ۲/۴۵ میلیون هکتار زمین را در تصرف خود داشتند؛ یعنی هر خانواده بزرگ مالک به اندازه ۱۷۱ برابر خانواده‌های کم‌زمین، زمین در اختیار داشتند (بیگی نسوان، ۱۳۷۶: ۶۴). بعبارتی واگذاری زمین در اصلاحات ارضی به گونه‌ای نبود که تحولات مهمی را در روابط اجتماعی در روستاها ایجاد کند؛ بنابراین پیامدهای سیاسی اجتماعی چندانی - به استثنای مهاجرت خوش‌نشین‌ها به حاشیه شهرها - را به همراه نداشت. با اصلاحات ارضی در روستاها قدرت سیاسی که عملاً اغلب بصورت خودسرانه در اختیار و انحصار بزرگ مالکان بود به دست حکومت مرکزی افتاد (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۲۴۵).

بعد از انقلاب اسلامی با تقسیم مجموع اراضی موات، مصادره‌ای و اراضی مالکین بزرگ توسط هیئت‌های هفت‌نفره میان روستاییان عملاً طبقه اربابی بعنوان مالکان بزرگ زمین از صحنه اجتماعی روستاییان حذف شد. واگذاری زمین‌های زمین‌داران و مالکین بزرگ از عمده‌ترین وظایف هیئت‌های هفت‌نفره بود (بیگی نسوان، ۱۳۷۶: ۷۳). عملکرد هیئت‌های هفت‌نفره نشان می‌دهد که در مجموع ۱/۵ میلیون هکتار زمین اعم از موات، مصادره‌ای و اراضی مالکین بزرگ مشمول اصلاحات ارضی بعد از انقلاب شده و تقریباً تعداد ۲۵۰ هزار خانوار روستایی زمین دریافت کردند (بیگی نسوان، ۱۳۷۶: ۷۳). این واگذاری‌ها صورت‌بندی اجتماعی روستاها را دچار تغییرات بنیادی کرد. به گونه‌ای که در این واگذاری‌ها اکثر روستاییان صاحب نسق - کسانی که بر اساس عرف سهمی از محصول را بنا به در اختیار داشتن عوامل پنج‌گانه زراعی به مالک می‌دادند - صاحب زمین کرد. این دگرگونی در مالکیت بر روابط اجتماعی در روستاها مؤثر بود و زمینه را برای تحولات سیاسی اجتماعی بعدی فراهم کرد. خرمشاد و موسی نژاد (۱۳۹۶) پیامدهای اصلاحات ارضی بعد از انقلاب توسط هیئت‌های هفت‌نفره را شامل تثبیت و افزایش مشروعیت نظام در میان روستائیان، ایجاد ثبات سیاسی در روستاها، تقویت مشارکت و همکاری داوطلبانه روستائیان در امور حاکمیتی، گسترش دامنه نفوذ حکومت انقلابی در اعماق روستاها می‌دانند (خرمشاد و موسوی نژاد، ۱۳۹۶: ۴۴-۶).

چ - حرکت به سمت اقتصاد نیمه تجاری

تحول در مالکیت زمین در روستاها همراه با تحولات اقتصادی دیگر از جمله تغییر شیوه تولید، ایجاد تنوع در فعالیت‌های اقتصادی در روستا، مناسبات تولیدی و معیشتی روستاییان را دچار دگرگونی کرد. به این صورت که در کنار داشتن زمین و اطمینان از اینکه کشاورزان - زین پس در ادبیات جامعه‌شناختی اصطلاح کشاورز جایگزین رعیت شد - صاحب محصول و دسترنج خود هستند. با ورود فناوری‌های جدید و تجهیزات مدرن در تولید محصولات کشاورزی، زمینه برای تحول از کشاورزی معیشتی به تجاری فراهم شد. این مسئله باعث شد قشر جدیدی که لزوماً دارای زمین کشاورزی نبودند و با داشتن ابزار تولید با اجاره زمین‌ها یا در یک فرایند شراکت در تقسیم مساوی محصول با صاحب زمین (هر کدام ۵۰ درصد) - مقایسه شود با نظام سهم بری در زمان ارباب‌رعیتی - ضمن تحول در مناسبات تولید، روستاییان صاحب درآمدی بیشتر شده تا جایی که توانستند به سرمایه‌گذاری بیشتری در شهرها اقدام کنند.

از طرفی بعد از انقلاب اسلامی، کشاورزی بعنوان محور توسعه اقتصادی کشور قرار گرفت (نیک خلق، ۱۳۸۹: ۲۰۷). بویژه اینکه سیاست مجموعه حاکمیت در این بخش مبتنی بر تولید حداقل کالاهای استراتژیک مانند گندم، دانه‌های روغنی و ... است. لذا شرایط برای حمایت دولت از کشاورزان فراهم شد. اقداماتی چون تأمین نهادها، تأمین تسهیلات برای خرید ادوات مدرن و از همه مهم‌تر خرید تضمینی برخی محصولات (گندم، چای، دانه‌های روغنی و...) زمینه درآمدزایی هر چه بیشتر روستاییان را فراهم کرد. همچنین رونق برخی فعالیت‌های جدید اقتصادی (گردشگری روستایی، صنایع دستی، داشتن مشاغل دولتی) به این روند کمک کرده است. ایجاد نظام سلامت و بیمه روستایی، اطمینان خاطر بیشتری برای کشاورزان روستایی فراهم کرده است. همچنین گسترش ارتباطات اینترنتی به روستاها باعث حذف واسطه‌ها و فروش مستقیم محصولات تولیدی در روستاها شده است. اکنون تجارت الکترونیک نه تنها در شهرها بلکه در دورافتاده‌ترین روستاهای کشور هم وجود دارد و حدود ۱۲ درصد حجم ترافیک فروش اینترنتی برای روستاها است (غضنفری، ۱۳۹۸). موارد گفته شده ظهور طبقه متوسط در روستا حداقل در زمینه اقتصادی زمینه را برای کنش‌های سیاسی متفاوت روستاییان نسبت به گذشته فراهم کرد.

ح- تغییر در سلسله‌مراتب اجتماعی (ارباب - کدخدا به دهیار- شورا) (تحول در قدرت اجتماعی)

تحولات صورت گرفته در روستاهای ایران از زمان اصلاحات ارضی و بعد از انقلاب اسلامی ساختار قدرت اجتماعی در روستاها ایران بصورت چشمگیری دگرگون کرده است. در حالت کلی این تغییر، تحول در ساختار عمودی قدرت در روستاها است. در ساختار قدرت ده، نظام بالا به پایین به نظام از پایین به بالا تغییر کرد و شوراهای اسلامی در رأس هرم قدرت قرار گرفتند (نیک خلق، ۱۳۸۹: ۲۰۷). در گذشته نه چندان دور اربابان و کدخداها بعنوان فعال مایشاء در روستاها بودند و تقریباً تمامی امورات ده با اراده آنها انجام می‌شد و رعیت کوچک‌ترین نقشی را در تصمیم‌گیری‌های امور روستاها نداشت. نمایندگان مجلس نیز با اعمال نفوذ مستقیم اربابان انتخاب می‌شدند. با زوال نظام ارباب - رعیتی بعد از انقلاب اسلامی شوراهای روستا عملاً اداره امور روستاها را به عهده گرفتند. بعد از احیای قانون شوراهای شهر و روستاها و برگزاری اولین دوره آن در سال ۱۳۷۸ اداره روستاها توسط شوراهای روستای و دهیاران انجام می‌شود. در حال حاضر دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور در طی دوره فعالیت دولت یازدهم به ۳۳ هزار و ۵۳۵ دهیاری افزایش یافته است و به این ترتیب تاکنون ۸۷ درصد جمعیت روستایی کشور یعنی اغلب روستاهای بالای ۳۰ خانوار، از خدمات مدیریت روستایی بهره‌مند می‌باشند. از مجموع ۳۳ هزار و ۵۳۵ دهیاری کشور، ۳۶۶۴ دهیاری بصورت تمام‌وقت، در روستاهای بالای ۱۵۰ نفر جمعیت و بقیه بصورت پاره‌وقت مشغول به خدمت می‌باشند (جندقیان، وب‌سایت مگیتو بازدید در ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

دیگر خبری از ارباب بعنوان مهم‌ترین منبع اقتدار در روستاها نیست. علی‌رغم برخی مشکلات در نحوه انتخاب شوراهای، این واقعیت که روستاییان بصورت مستقل و با احساس مسئولیت، در انتخاب شوراهای نقش مستقیم دارند. کدخدا از صحنه قدرت اجتماعی روستاها حذف شد و جای خود را به شوراهای داد (نیک خلق، ۱۳۸۹: ۲۰۷). این تحول ساختاری گذار از یک ساختار اجتماعی ارباب-رعیتی به سمت ساخت شورایی است. افزایش نقش روستائیان باعث تغییر در منزلت روستاییان شده است.

خ- تغییر از مشارکت منفعل به مشارکت سیاسی مستقل و مطالبه‌گر

به جرات می‌توان گفت مهم‌ترین تحول صورت گرفته در روستاها، تحول در مشارکت سیاسی آن‌ها نسبت به گذشته است. کیفیت و نوع مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های مهم در میزان توسعه سیاسی در یک کشور است. مشارکت در هر جامعه تابع فرهنگ سیاسی آن جامعه است. آلموند و وربا معتقد هستند که فرهنگ سیاسی در جوامع به سه گونه محدود، تبعی و مشارکت تقسیم می‌شود (عالم، ۱۳۹۰: ۱۱۴). همچنین نوع و میزان مشارکت سیاسی در هر جامعه بعنوان شاخصی مهم برای تعیین ماهیت حکومت‌ها است. به هر میزان عیار این مشارکت از لحاظ کم و کیف بالاتر باشد، میزان توسعه‌یافتگی سیاسی آن جامعه بالاتر است. از منظر دینی نیز مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای عموم جامعه است (غفاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

جیرینت پری^۱ مشارکت سیاسی را از سه جنبه یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت بررسی می‌کند. منظور از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد، آیا رسمی است یا غیررسمی؟ پری استدلال می‌کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج به مشارکت در جامعه و بویژه اینکه آیا مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود، فرق دارد. منظور از شدت، سنجش تعداد افرادی است که در فعالیتهای معین شرکت می‌کنند و نیز تعداد دفعات مشارکت آنهاست که باز هم ممکن است بر طبق فرصت‌ها و منابع فرق کند. کیفیت به میزان اثربخشی‌ای که در نتیجه مشارکت بدست می‌آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند و بر سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. کیفیت هم بر طبق فرصت‌ها و منابع از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند (راش، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۳).

اکثر پژوهشگران، روستاییان را فاقد هرگونه اراده سیاسی می‌دانند. آن‌ها را تابعان محض نخبگان متنفذ دولتی و غیردولتی (اربابان حاضر و غایب، نخبگان شهری) می‌دانند. بشیریه معتقد است در تاریخ معاصر ایران دهقانان نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی نداشته‌اند و بیشتر از سوی گروه‌ها و نیروهای سیاسی گوناگون بسیج شده‌اند (بشیریه،

1. Geraint Parry

۱۳۹۰: ۲۱۸). برای این عدم فعالیت و مشارکت سیاسی، دلایل مختلفی توسط هر یک از پژوهشگران روستایی مطرح شده است. سیف (۱۳۷۳) دلایل انفعال دهقانان در امور سیاسی و اجتماعی را به فقدان انگیزه مالکیت خصوصی و سلسله‌مراتبی بودن ستم نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «یکی از دلایلی که در ایران شاهد دهقانانی غیرفعال در امور سیاسی و اجتماعی بوده‌ایم، این بود که دهقانان کلیت نظام سیاسی و اجتماعی حاکم را با سنگینی بختک‌وارش در برابر خویش داشتند. کدخدای ده بی‌مروت‌تر از پاکار و پاکار بی‌رحم‌تر از مباشر و حاکم و وزیر و شاهزاده و شاه هم خون‌خوارتر از دیگران. از سوی دیگر انگیزه مالکیت خصوصی که در بسیاری از جوامع باعث شرکت دهقانان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شد در ایران وجود نداشت (سیف، ۱۳۷۳: ۱۰۷). شاکری ناچیز بودن مقاومت فعالانه دهقانان در برابر زورگویی و ستمگری و فقدان مبارزه طبقاتی را به چند عامل نسبت می‌دهد. اول، ذهنیت ایرانی بود که حاکم را فرمانروای مطلق عادل و سایه خدا روی زمین می‌دانست و تنها راه تغییر سرنوشتش را مراجعه به حس دادگری الهی فرمانروا می‌دانست. دوم تقدیرگرایی بود که آن‌ها را به پذیرش وضع موجود مجاب می‌ساخت و نقش مهمی در کنترل روستاییان داشت (دلآوری، ۱۳۷۸: ۷۸).

آبراهامیان و کاظمی عدم وجود دهقانان متوسط بخاطر فقدان بارندگی کافی، هزینه زیاد نگهداری از قنات‌ها، رقابت سرمایه‌گذاران شهری و غلبه اربابان بزرگ غیربومی، روستاهای درون‌گرا و منزوی به دلایل جغرافیایی، مشکلات حمل‌ونقل، تفاوت‌های زبانی، اختلاف‌های مذهبی و قومی و در نتیجه عدم رشد آگاهی و محل‌گرایی را از عوامل عدم شکل‌گیری خیزش‌های دهقانی می‌داند (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

آنچه از که انفعال و بی‌عملی سیاسی دهقانان مطرح شد مبتنی بر تحلیل وضعیت اجتماعی روستاها در گذشته بوده است. شرایط کنونی روستاییان امروز نسبت به گذشته متفاوت است. فضای اجتماعی، اقتصادی روستاها تغییر کرده است. امروز در روستاها مالکیت خصوصی وجود دارد، نظام سلسله‌مراتب ستم از بین رفته، افزایش سطح سواد و آگاهی‌های سیاسی نسبت به گذشته باعث کاهش ذهنیت تقدیرگرایی در میان روستاییان بویژه نسل جوان‌تر شده است و ... بدون تردید این تحولات عمل سیاسی روستاییان را نیز تا حدی متحول کرده است. اگر حتی نظریات نوسازی را بپذیریم و مشارکت سیاسی را

مرتبط با فضای شهر و زیست‌شهرنشینی بدانیم - بر پایه این نظریات، جوامع بر پایه دو قطب سنتی و مدرن مشخص می‌شوند و هر چه به قطب مدرن نزدیک‌تر شوند اشکال جدید زندگی اجتماعی و از جمله مشارکت سیاسی و اجتماعی گسترش می‌یابد - شهرها به دلیل صنعتی بودن، وجود رسانه‌های گروهی و افزایش تحصیلات و رفاه اقتصادی دارای سطح مشارکت بیشتری است و ساکنان مناطق شهری به دلیل برخورداری بیشتر از جلوه‌های مدرن زندگی، مشارکت بیشتری در حیات سیاسی و اجتماعی خود دارند (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۶۳). با این حال با ورود مظاهر مدرنیته به روستاها فضای سیاسی روستاها بیشتر در حال شبیه شدن به مناطق شهری است. به عبارت بهتر ما در روستاهای ایران با حدی از نوسازی روبرو هستیم. این نوسازی به گونه‌ای است که برخی جامعه روستایی را به نوعی شهری شدن روستاها نامیده‌اند (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴۳).

بنابراین می‌توان گفت الگوی مشارکت روستاییان در حال دگرگون شدن است. شرایط برای تغییر از توده‌های منفعل به سمت‌وسوی مشارکت سیاسی در روستاها دست‌کم در سطح محلی فراهم شده است. توده منفعل بدون اراده مطیع ارباب در روستا به شهروند فعال‌تر و مستقل‌تری تبدیل شده است. هر چند در برخی از پژوهش‌ها مشارکت روستاییان را از نظر شیوه رسمی و با شدت بالا اما از نظر کیفیت مشارکتی غیر مؤثر در نظر گرفته می‌شود. طرح‌واره روستاییان از نظام سیاسی از سه گانه آگاهی کم، انتظارات کم و مشارکت بالا شکل گرفته است. کنشگران روستایی آگاهی اندکی از حکومت و پیچیدگی و کارکرد آن دارند. همچنین انتظارات اندکی از حکومت دارند اما میزان مشارکت مرسوم و متعارف آن‌ها بالاست (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۲۷). با این حال مشارکت سیاسی روستاییان از دو جنبه یعنی شرکت آن‌ها در انتخابات ملی و محلی و مشارکت آن‌ها در اداره روستاها متفاوت از گذشته است؛ بنابراین بین این دو سطح مشارکت باید تفاوت قائل شد.

در رابطه با انتخابات، بطور کلی در مشارکت روستاییان با یک بهبود مواجه هستیم. برای مثال در یک پژوهش مربوط به روستاهای اردبیل که بصورت پیمایشی انجام شده است بر روند بهبود مشارکت سیاسی روستاییان تأکید دارد. بر اساس یافته این پژوهش؛ رسانه‌های گروهی، میزان تحصیلات، احساس اثرگذاری سیاسی و آگاهی سیاسی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان در اردبیل بوده است (حیدری ساربان، ۱۳۹۷).

۱۳۹). در سال‌های قبل از انقلاب مشارکت روستاییان در انتخابات تابع مطلق از عملکرد نظرات اربابان و نخبگان وابسته به آن‌ها بوده در حالی که در حال حاضر نوعی مشارکت مستقل در انتخابات ملی و محلی وجود دارد. هرچند آگاهی‌های روستاییان نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن اندک است - البته این فقط مختص به روستاییان نبوده و قشرهای نسبتاً وسیعی نیز در شهرها این‌گونه هستند- اما اولاً این آگاهی بویژه در میان نسل جدید رو به افزایش است، ثانیاً در حال حاضر نوعی مشارکت مطالبه‌گر در میان روستاییان دست‌کم در انتخابات شوراها و نمایندگان مجلس قابل مشاهده است. روستاییان نسبت به گذشته دارای استقلال بیشتری با هدف کسب حداکثر منافع هستند و رفته‌رفته این استقلال بویژه در سطح محلی بیشتر می‌شود. این مشارکت مطالبه‌گر می‌تواند شامل تلاش روستاییان برای دریافت خدمات بیشتر در ازای آرای خود باشد. این خدمات می‌تواند طیف وسیعی خدمات عمومی از جاده‌سازی تا خدمات زیرساختی و نرم‌افزاری و حتی منافع شخصی مانند دستیابی به موقعیت‌های شغلی را شامل شود؛ بنابراین در حال حاضر اطلاق عنوان توده‌های منفعل به روستاییان برای مشارکت به نظر درست نمی‌آید. البته باید توجه داشت خود این مشارکت نیز با یک سری آسیب‌ها مواجه است که کیفیت مشارکت سیاسی روستاییان منطبق بر شاخص‌های انتخاب مدرن فاصله دارد. در این قسمت به برخی از این آسیب‌ها پرداخته می‌شود.

د- نقش وفاداری‌های خویشاوندی در مشارکت سیاسی محلی (بازتولید طایفه‌گرایی در انتخابات)

بدون تردید تحولات اجتماعی معمولاً با مقاومت‌هایی در سطح اجتماع روبرو خواهند شد که زمینه استمرار اجتماعی در میان جوامع است. برخی ساخت‌های اجتماعی در روستا در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند و حتی گاهی خود را در قالب‌های جدید بازتولید می‌کنند. یکی از این عناصر بحث بازتولید طایفه‌گرایی در انتخابات است. در حال حاضر مناسبات خویشاوندی بر مشارکت سیاسی روستاییان تأثیرگذار است. فرهنگ عشایری که بر روابط خویشاوندی استوار است یکی از ویژگی‌های جامعه متنوع ایران در طول تاریخ بوده است. این مسئله بر فرهنگ سیاسی ایران نیز تأثیرگذار بوده و حتی در دوران مدرن در قالب‌های جدید بازتولید شده است. در فرهنگ سیاسی ایران در حقیقت وقتی فردی

از یک خانواده منزلت اجتماعی پیدا می‌کند به معنای ارتقای دیگر اعضای خانواده از منظر اقتصادی و منزلتی است چراکه فرد در زمان ارتقای اجتماعی می‌کوشد تا دست سایر اعضای خانواده و قوم و خویش را بگیرد تا آنها نیز از مزایای اجتماعی بیشتری برخوردار شوند (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۲۴). این مؤلفه اجتماعی در روستاها با توجه محیط کوچک آنها بیشتر نمایان است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند احساس هویت نیرومندتری دارند تا کسانی که در نواحی شهری رو به گسترش به سر می‌برند (راش، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

بنابراین وفاداری به خانواده و خویشاوندی از عوامل تعیین‌کننده در رفتار رأی‌دهی روستاییان بحساب می‌آید. در روستاها معمولاً از میان عوامل مهم جامعه‌پذیری سیاسی، خانواده مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. هرچند با توجه شکاف نسلی و افزایش سطح سواد و گسترش رسانه‌ها در روستا این مسئله هر روز کمتر می‌شود. خانواده بعنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعه روستایی است که در تحلیل‌های نهایی برای تصمیم‌گیری سیاسی و همچنین ترجیحات رأی‌دهی نقش تعیین‌کننده دارد. از آنجاکه در خانواده مؤلفه‌های سن و جنس در سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی نقش جدی دارد، زنان در نسبت با مردان تابع هستند و فرزندان معمولاً از بزرگ‌ترها اطاعت می‌کنند. غالباً نقش پدر در کم و کیف مشارکت مؤثر می‌افتد و وفاداری اعضای خانواده در درجه نخست به خانواده است (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۲۴). با یک مشاهده ساده در انتخابات محلی این موضوع قابل مشاهده است. در حال حاضر در سال‌های اخیر با امکان ادامه تحصیل فرزندان، به نظر رابطه عکس در خانواده‌های روستایی وجود دارد. به این معنی که والدین عمدتاً کم‌سواد تابع نظرات فرزندان تحصیل‌کرده خود می‌باشند. در هر دو صورت، نقش نسبت‌های خویشاوندی و طایفه‌ای در میان روستاییان در انتخابات محلی نقشی اساسی است. شاید بتوان گفت وفاداری به ارباب جای خود را به وفاداری به طایفه داده است. به این ترتیب که معمولاً در انتخابات محلی (مجلس و شورا) هر کاندیدی که دارای خویشاوند بیشتری باشد در انتخابات موفق‌تر عمل خواهد کرد.

ذ- غلبه تعلقات مذهبی و زبانی در روستاها در رفتار رأی‌دهی روستاییان یکی دیگر از وجوه استمرار اجتماعی در روستاها تعلقات مذهبی - زبانی است. این متغیر یکی از فاکتورهای مهم بر نحوه رفتار رأی‌دهی روستاییان بویژه در انتخابات مجلس و شوراهای اسلامی و حتی مجلس خبرگان رهبری است. با حذف ارباب بعنوان فعال مایشاء در روستاها، یک خلأ سیاسی و وضعیت آنومی در روستاها شکل گرفت. از طرفی با نبود نهادهای دموکراتیک مدرن مانند اتحادیه‌ها، سندیکاها و احزاب، صورت‌بندی‌های اجتماعی سنتی مانند پیوندهای طایفه‌ای، تعلقات زبانی و مذهبی نقش اصلی را در تصمیمات سیاسی روستاییان دارند. معمولاً این تعلقات با مطالبات محلی در حوزه‌های مختلف رفاهی، ارتباطات و بهداشتی و غیره همراه می‌شوند. البته بنظر نمی‌رسد که تعلقات مذهبی و زبانی به‌خودی خود نه قابل نادیده گرفته شدن است و نه حتی اینکه امری مضموم است. لذا بهتر است که با قاعده‌مند و عقلانی‌تر کردن این تعلقات در رفتار سیاسی روستاییان تغییرات مثبتی ایجاد کرد.

ر- اشاعه نظام شهروندی به روستاها

مفهوم شهروندی در نظام‌های دموکراتیک اصطلاحی است دارای بار هنجاری که جایگزین مفاهیمی مانند رعیت، توده و... شده است. شهروندی یک موقعیت اجتماعی است که شامل عضویت در یک جامعه سیاسی است که به‌نوبه خود سهم یک فرد را در منابع جمعی چنین جامعه‌ای تعیین می‌کند (Turner, 2017: 11). هرچند استعمال این واژه شاید قدمتی به تاریخ تمدن بشری داشته باشد اما معنای این اصطلاح در دوران معاصر بر حقوق تک‌تک افراد یک ملت اطلاق می‌شود. مهم‌ترین مفروضات از حیث بحث در باب شهروندی جدید در میان فیلسوفان غربی، ایده فرد صاحب حق بی‌قیدوشرط در وضع طبیعی بود (مقیم، ۱۳۹۷: ۵۱). مارشال شهروندی را منزلتی اعطاشده به آن‌هایی می‌داند که اعضای کامل یک اجتماع هستند. همه آن‌هایی که این منزلت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آن‌ها بخشیده، برابرند (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۲۱). عبارتی شهروندی به افراد یک جامعه موقعیتی برابر فارق از منزلت‌های طبقاتی، نژادی، مذهبی و غیره می‌دهد.

ورود مفهوم شهروندی در ایران در معنای مدرن آن خیلی طولانی نیست. ایده شهروندی در معنای مدرن آن مانند دیگر انگاره‌های دنیای جدید، در پی تحولات فکری و سیاسی اجتماعی منتهی به انقلاب مشروطه در ایران مطرح شد. البته تا همین چند دهه پیش از ادبیات نویسندگان معاصر ایرانی غایب بود؛ با این حال شهروندی، مضمون و محتوای آن یکی از مهم‌ترین عناصر در روند تجدد سیاسی در ایران معاصر بوده است (مقیمی، ۱۳۹۷: ۵۱). فرایند شکل‌گیری آن هنوز در جریان است و تحقق کامل نیافته است. تغییر از نظام رعیتی به نظام شهروندی پدیده نوظهور در ایران و رسیدن به حدی از مطلوبیت در نظام شهروندی امری زمان‌بر است. مفهوم شهروندی در فرهنگ سیاسی ایران بسیار نوپا است و حتی به شکل ناقصی به اجرا درآمده است و کمتر از نیم‌قرن بیشتر عمر ندارد (سریع‌القلم، ۱۳۹۷: ۶۵-۶۴). در ابتدای امر به نظر، این مفهوم با شهر و شهرنشینی عجین شده است. پرسش این است که آیا این مفهوم ناظر بر زندگی روستایی نیز خواهد بود؟ آیا ساکنین روستا نیز همانند شهرنشینان از حقوق شهروندی برخوردار هستند؟

در قانون اساسی از حیث حقوق شهروندی میان انواع زیست اجتماعی در ایران تفاوتی وجود ندارد. هر چند ممکن از همه افراد ساکن در مناطق شهری و روستایی از فرصت برابر در بهره‌گیری از حقوق برخوردار نباشند. برخورداری از حقوق شهروندی روستاییان را واجد این مفهوم کرده است. کاربرد مفهوم شهروندی برای روستاییان مناسب است. کافی است این مسئله را یادآوری کرد که ساکنین روستاها را در نیم‌قرن قبل رعیت و دهقان می‌نامیدند؛ بنابراین امروز نیز برای روستاییان بجای استفاده از لفظ رعیت، دهقان و حتی کشاورز می‌توان از مفهوم شهروند استفاده کرد. این یک تفاوت ظاهری صرف در لفظ نیست بلکه تمایز عمیق در جایگاه اجتماعی روستاییان را نسبت به گذشته می‌رساند. البته ساختار سیاسی یونیتری، توسعه نامتوازن اقتصادی و برخی ساخت‌های اجتماعی سنتی مانع بهره‌گیری مطلوب از حقوق شهروندی در میان روستاییان شده است.

نتیجه‌گیری

ایران از دیرباز عرصه سه‌گونه زیست اجتماعی شهری، روستایی و عشایری بوده است. در حال حاضر جمعیت روستایی ایران به حدود جمعیت ایران رسیده است. این سبک

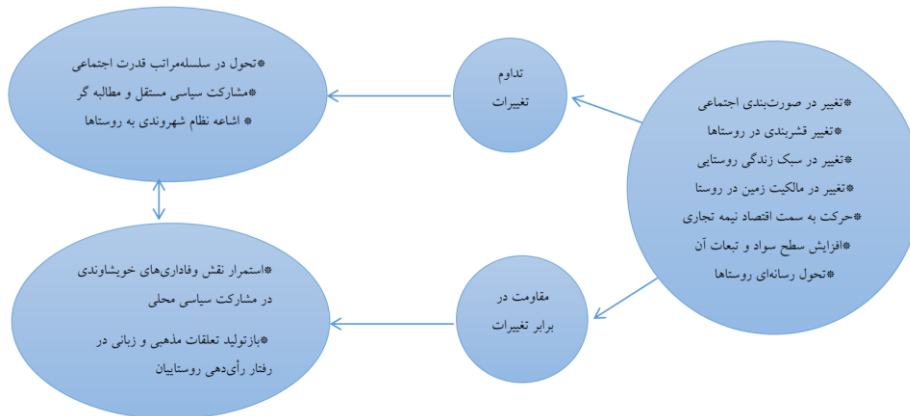
زندگی در طول سالیان طولانی با آهنگی کند در حال تغییر و دگرگونی بود؛ اما با ورود ایران به مدرنیته و بویژه بعد از انقلاب اسلامی سرعت دگرگونی در روستاهای ایران شتاب روزافزونی پیدا کرد. تغییرات در ساخت‌های اجتماعی (تحولات جمعیت‌شناختی، شکاف‌های نسلی و جنسیتی، تغییر در قشربندی اجتماعی)، اقتصادی (حرکت از کشاورزی معیشتی و اربابی به کشاورزی نیمه تجاری) و فرهنگی (افزایش سطح سواد و نفوذ رسانه در روستا) موجب تحول در رفتار سیاسی روستاییان شد. این تغییرات با توجه به ادبیات مرسوم جامعه‌شناسی سیاسی روستا قابل تحلیل نیست لذا نیازمند مطالعه و موشکافی در روند این تغییرات و پیامدهای سیاسی آن است. در همین راستا این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که روستا در ایران بعد از انقلاب چه تحولات و دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده است؟ این پژوهش با بهره‌مندی از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهده به چرایی و چگونگی این دگرگونی‌ها و پیامدهای آن‌ها می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در روستاها تحول در صورت‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند تغییر از ده - رعیت به روستا - کشاورز، تغییر در بافت جمعیتی و قشربندی، افزایش سطح سواد، تغییر در سبک زندگی روستایی، تحول ارتباطی روستاها و همچنین تحولات اقتصادی مانند تغییر در مالکیت زمین در روستا و نیمه تجاری شدن فعالیت‌های اقتصادی روستاییان صورت گرفته است. این تغییرات دارای پیامدهای سیاسی چون تغییر ساخت قدرت اجتماعی از ارباب - رعیتی به دهیار - شورا، تغییر از مشارکت منفعل به مشارکت سیاسی مستقل و مطالبه‌گر، پررنگ شدن نقش وفاداری‌های خویشاوندی، تعلقات مذهبی و زبانی در رفتار رأی‌دهی روستاییان و نهایت اشاعه نظام شهروندی به روستاها است.

بعبارتی روستاییان امروز مانند گذشته توده‌های فاقد اراده سیاسی نیستند. رفتار سیاسی آن‌ها همراه با آگاهی بیشتر نسبت به گذشته و مشارکت در انتخابات و اداره روستاها است. روستاییان دیگر دهقانان غیرانقلابی نیستند بلکه شهروندانی هستند که در فرآیند سیاسی جامعه کل ادغام شده‌اند و همانند شهروندان شهری در زمینه‌های مختلف سیاسی مشارکت و فعالیت دارند. به نظر وضعیت جامعه‌شناسی سیاسی روستاها در آینده تحت تأثیر تغییرات عواملی چون میزان توسعه اقتصادی و صنعتی شدن کشاورزی، عملکرد

دولت مرکزی، تحول در صورت‌بندی‌های اجتماعی سنتی، ثبات و پایداری زیست روستایی، توسعه جامعه مدنی و نهادهای دموکراتیک بویژه در حکمرانی محلی و رابطه بین شهر و روستا خواهد بود. واقعیت این است که احساس تعلق خاطر به روستا در میان روستاییان پررنگ‌تر شده و این تعلق خاطر در حال تقویت شدن است. با توجه به چارچوب پژوهش می‌توان الگوی تحولات صورت گرفته را مانند الگوی زیر طراحی کرد.

مدل شماره ۲: الگوی تحولات در روستاهای ایران



در پایان آنچه در این نوشتار به آن توجه شده لزوماً به معنای مطلوبیت وضعیت زیست سیاسی روستاها نیست. مطمئناً صورت‌بندی سیاسی و اجتماعی کنونی دارای آسیب‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال مواردی چون بازتولید انفعال سیاسی روستاها در مناسبات خویشاوندی، زبانی و مذهبی بویژه در مشارکت انتخاباتی، محرومیت مستمر برخی روستاهای ایران، نبود نهادهای متناسب سیاست‌ورزی مدرن در جامعه روستایی و غیره را می‌توان نام برد. بدیهی است بررسی هر یک از این آسیب‌ها نیازمند پژوهش‌های بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود.

در نهایت مواردی برای بهبود هر چه بهتر زیست سیاسی روستاها پیشنهاد می‌شود.

۱- تغییر در نگاه به رفتار سیاسی روستاییان و پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی مانند توده‌ای بودن، پوپولیستی، نداشتن آگاهی سیاسی نسبت به روستاییان همراه با احترام به مطالبات روستاییان؛

۲- تعلقات مذهبی، زبانی و خویشاوندی در میان جوامع سنتی حقیقتی عینی است و نادیده گرفتن آن کاری غیرواقعی و غیرعقلانی خواهد بود. چراکه این موارد می‌تواند کارکردهای مثبتی برای همبستگی‌های اجتماعی روستاییان داشته باشد. لذا بهتر است بجای نادیده انگاشتن آن‌ها را قاعده‌مند کرد؛

۳- تربیت و آموزش سیاسی همواره نقش مهمی در تربیت شهروند مطلوب دارد. لرنر^۱ مهم‌ترین ابزارهای نوسازی را رسانه‌های گروهی، تعلیم و تربیت و شهرنشینی می‌داند. هانتینگتون^۲ نیز بر نقش آموزش و رسانه‌های جمعی تأکید دارد؛ بنابراین با توجه به حضور نظام آموزشی کشور در روستاها، آموزش سیاسی روستاییان می‌تواند یکی از اولویت‌های نظام آموزشی باشد؛

۴- تلاش در جهت نظام‌مند کردن فعالیت و مشارکت روستاییان در قالب اتحادیه‌های روستایی کشاورزی و از همه مهم‌تر طراحی سازوکارهای قانونی برای نظارت بر رفتار منتخبان روستاییان و ایجاد سازوکارهای قانونی برای تغییر آن‌ها در جهت مسئولیت‌پذیر کردن منتخبان محلی در جامعه روستایی کشور.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad
Khoramshad
Amir Molodi

Bagher



<https://orcid.org/0000-0003-0383-4708>



<https://orcid.org/0000-0002-2292-4867>

منابع

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۰)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۵) *مقالاتی در جامعه‌شناسی تاریخی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*، چاپ دهم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا مصطفی، حسینی رودبارکی، سکینه، (۱۳۸۸)، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، فصلنامه علمی پژوهشی *رفاه اجتماعی*، تابستان، دوره ۱۰، شماره ۳۷.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی، (۱۳۴۰)، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در سیاست)*، چاپ نوزدهم، تهران: نشر نی.
- بیگی نسوان، حسین، (۱۳۷۶)، «اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۲۵.
- جعفری، روح‌الله، (۱۳۹۳)، *نسبت روستا و سیاست*، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیف، احمد، (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- حیدری ساریان، وکیل، (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر در بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان موردشناسی: شهرستان اردبیل»، فصلنامه *جغرافیا آمایش شهری- منطقه‌ای*، دوره ۸، شماره ۲۶.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۹۷)، *فرهنگ سیاسی مردم ایران*، چاپ ششم، تهران: انتشارات فرزاد.
- راش، مایکل، (۱۳۸۸)، *جامعه و سیاست*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- جمهوری اسلامی ایران "http://seda.ir/sh/?2185791" رؤیت شده به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰.
- دلاوری، ابوالفضل، (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا قیام خرداد ۱۳۴۲*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- غیاثوند، احمد، (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی شهروندی در ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدهای آن»، فصلنامه *علوم اجتماعی*، دوره ۲۲، شماره ۶۸.
- کدی، نیکی، (۱۳۹۰)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- فوران، جان، (۱۳۸۵)، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)*، ترجمه احمد تدین، چاپ پنجم، تهران: موسسه فرهنگی هنری رسا.

بررسی تحولات اجتماعی - سیاسی روستاهای ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران | خرمشاد و مولودی | ۳۹

- خرمشاد، محمدباقر، موسی نژاد، محمدجواد، (۱۳۹۶)، «دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستا»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۷۶.
- خرمشاد، محمدباقر؛ موسی نژاد، محمدجواد، (۱۳۹۷)، «پیامدهای سیاسی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای روش AHP»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، دوره اول، شماره ۴.
- غفاری هاشجین، زاهد و دیگران، (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲.
- گی، روشه، (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- مقیمی، شروین، (۱۳۹۷)، «زایش ایده شهروندی در ایران معاصر از منظر فلسفه سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۱، شماره ۸۲.
- وبسایت مرکز آمار ایران «amar.org.ir» رؤیت شده به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۰.
- هوگلاند، اریک، (۱۳۹۸)، انقلاب و زمین، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.
- خبرگزاری مگیتو “magito.ir/news/society/107944” رؤیت شده به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۸.
- خبرگزاری عصر ایران “https://www.asriran.com” رؤیت شده به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۵.
- همشهری آنلاین “https://www.hamshahrionline.ir” رویت شده به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵.

References

- Abrahamian, Ervand, (2011), *Articles in the Historical Sociology of Iran*, Translated by Soheila Torabi, Seventeenth Edition, Tehran: Shirazeh Publications. [In Persian]
- Abrahamian, Ervand, (2011), *Iran between Two Revolutions*, Translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

- Akujobi, C.T & Jack, Jackson T.C.B, (2017), “Social Change and Social Problems. In Abasiékong”, E.M, Sibiri, E.A, Ekpenyong, N.S (eds.) Major Themes in Sociology: An Introductory Text. pp 491- 526. Benin City, Mase Perfect Prints.
- Ashraf, Ahmad & Banuazizi, (2014), *Social Classes, State and Revolution in Iran*, Translated by Soheila Torabi, Third Edition, Tehran: NilooFar Publications. [In Persian]
- Azkia Mostafa, (2014), *Sociology of Rural Development and Underdevelopment of Iran*, 10th Edition, Tehran: Information Publications. [In Persian]
- Azkia Mostafa & Sakineh, Hoseini Roodbaraki, (2010), “The Survey of Generational of Changes of Lifestyle in Rural Society (Case Study: Ahangar Mahalleh Village, A Ville in Gorgan”, *Social Welfare Quarterly University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences*, Refahj 2010, 10(37). [In Persian]
- Bashiriyeh, Hossein, (2011), *Political Sociology: Role of Social Forces in Political Life*, Tehran: Nay Press. [In Persian]
- Beigi Nesvan, Hossein, (1997), “Land Reform in the Islamic Republic”, *Quarterly of 15 Khordad*, Volume 6. [In Persian]
- Delavari, Abolfazl, (2015), *Social History of Modern Iran*, Second Edition, Tehran: The Research Institute of Imam Khomeini & Islamic Revolution Publications. [In Persian]
- Foran, Jhon, (2004), *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, Translated by Ahmad Tadayyon, Fifth Edition, Tehran: Rasa Cultural and Artistic Institute. [In Persian]
- Gafari Hashjin, Zahid & other, (2010), “The Effective Factors in Political Participation of Political and Engineering Students of Tehran University”, *Bi-Quarterly Political Knowledge*, Volume 6, Issue 2 - Serial Number 12, February 2011, Pages 207-240. [In Persian]
- Ghiaysvand, Ahmad, (2015), “Typology of Citizenships in Iran; Typology of Citizenships in Iran; Opportunities and Threats

Opportunities and Threats”, *Quarterly Journal of Social Sciences*, Serial Number 68, Winter 2015. [In Persian]

- Heydari Sareban, Vakil, (2018), “Effective Factors in Improving Political Participation from the Viewpoint of Villagers (Case Study: Ardabil City)”, *Journal of Geography and Territorial Spatial Arrangement*, Volume 8, Issue 26, Winter. [In Persian]
- Hoogland, Eric J James, (2019), *Land and Revolution in Iran, 1960-1980(1340-1360)*, translated by Firoozeh Mohajer, Tehran, Shirazeh Publications. [In Persian]
- Keddie, Nikki R, (2011), *Roots of Iran: An Interpretive History of Modern Iran*, Translated by Abdolrahim Gavahi, Tehran, Second Edition, Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Jafari, Ruhollah (2013), A Study of the Relationship between Village and Politics, PhD Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University. [In Persian]
- Khoramshad, Mohammad Bagher; Mohammad Javad Mosanejad, (2017), “Pahlavi Government, Land Reform and Development Theory of Rostow”, *Quarterly Journal of Social Sciences*, Volume & Issue, Volume 24, Issue 76, Summer 2017, Pages. [In Persian]
- Khorramshad Mohammad Bagher & Mohammad Javad Mousanezhad, (2018), “Political Consequences of Dividing Land in the Islamic Republic of Iran”, *Iranian Political Sociology Journal*, Volume & Issue, Volume 1, Issue 4, Number 4, February 2018. [In Persian]
- Moghimi Zanjani Shervin, (2019), “The Generation of Citizenship Idea in Contemporary Iran in View of Political Philosophy”, A- Scientific 0 Research *Quarterly Political Science Bagir – Aloum University*, Volume 21, Issue 82 - Serial Number 82. [In Persian]
- Roche, Gay, (1987), *Sociology of Social Change*, Translated by Mansour Vosoughi, First Edition, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Rush, Michael, (2009), *Political and Society (A Introduction to Political Sociology)*, Translated by Manouchehr Sabouri, Second Edition, Tehran:

The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT). [In Persian]

- Sariolghalam, Mahmood, (2018), *Political Culture of the Iranian People*, Sixth Edition, Farzan Rooz Publishing. [In Persian]
- Sayf, Ahmad, (1994), *Iran's Economy in the Nineteenth Century*, Tehran: Cheshmeh Publishing. [In Persian]
- Turner, Bryan, (2017), "Contemporary Citizenship: Four Types", *Journal of Citizenship and Globalization Studies*, 1(1).
- Veal, Anthony, (2006), *The Concept of Lifestyle: A Review*, A School of Leisure and Tourism Studies, University of Technology, Sydney, Lindfield, NSW, 7070, Australia-Version of Record First Published: 22 Aug 2006.